

# بررسی تغییرناپذیرهای طبیعت و اسامی خاص در قرآن بر اساس طبقه‌بندی وینوگرادوف با تکیه بر ترجمه روسی کولی‌یف

مهنوش اسکندری\*

استادیار زبان روسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۱۷)

## چکیده

ترجمه متون دینی، به ویژه قرآن، یعنی کتابی که در فصاحت و بلاغت سرآمد تمام متون است، بسیار دشوار می‌باشد، حال اگر مترجم در برگردان این کتاب مقدس به تغییرناپذیرها برخورد کند، این کار پیچیده‌تر خواهد شد. مترجم باید پیش از ترجمه به شناخت و نحوه مواجهه با آن‌ها بپردازد؛ چراکه در صورت اتخاذ رویه نامناسب در ترجمه، از آنجا که خواننده روس با متن قرآن آشنایی ندارد، برداشت و تصور نادرستی از آیات قرآن در ذهن او ایجاد خواهد شد. در این مقاله برآنیم ابتدا با تغییرناپذیرهای زبانی و راه‌های برگرداندن آن‌ها آشنا شویم. سپس به بررسی برگردان بیست مورد از تغییرناپذیرها در ترجمه روسی کولی‌یف خواهیم پرداخت. خواهیم دید مترجم نتوانسته چنان‌که شایسته است، حق مطلب را ادا کند و فهم آیات را برای روس‌زبانان غیرممکن ساخته است. شناخت راه‌های مواجهه با تغییرناپذیرها و اتخاذ رویه یکسان در برگردان آن‌ها می‌تواند به جلوگیری از این مسئله کمک شایانی کند.

**واژگان کلیدی:** قرآن، تغییرناپذیرها، برگردان تغییرناپذیرها، زبان روسی.

---

\* Email: M\_eskandary@ut.ac.ir

## مقدمه

درباره ترجمه، ماهیت و خصوصیات آن نظریات متفاوتی وجود دارد و صاحب‌نظران با تکیه بر مکتبی که بدان وابسته‌اند، آن را به گونه‌های متفاوتی توصیف کرده‌اند. برخی صاحب‌نظران که طرفدار نظریه نسبیّت زبانی هستند، ترجمه را به طور کلی کاری غیر ممکن می‌دانند. در نظر این عده، زبان است که اندیشه و فرهنگ هر ملت را می‌سازد و آنچه یک فرانسوی‌زبان از واقعیت و جهان پیرامون خود درک می‌کند، با برداشت یک روسی‌زبان یا فارسی‌زبان از همان واقعیت کاملاً متفاوت است و به این ترتیب، ترجمه غیر ممکن می‌نماید. برخلاف این دسته، ساختگرایان معتقدند که این زبان نیست که اندیشه و فرهنگ ملت را شکل می‌دهد، بلکه زبان تنها عاملی است که انسان‌ها به مدد آن اندیشه خود را انتقال می‌دهند؛ به عبارت دیگر، واقعیت و جهان پیرامون تمام ملت‌ها یکسان است و تنها زبان‌هایی که به یاری آن‌ها این واقعیت یکسان تبیین می‌شود، متفاوت است. به این صورت است که ساختگرایان ترجمه را امری ممکن می‌دانند.

آنچه مسلم است اینکه نمی‌توان نظر هر دو گروه را کاملاً پذیرفت و یا کاملاً مطرود دانست؛ چراکه هر متنی را به طور کامل نمی‌توان ترجمه‌پذیر و یا به طور کامل ترجمه‌ناپذیر خواند. تمام مترجمان در ترجمه همواره با مشکلاتی روبه‌رو هستند که زائیده تفاوت در ساختار زبان و فرهنگ ملت‌هایی است که به این زبان‌ها سخن می‌گویند و اینجاست که ترجمه‌ناپذیرها در ترجمه رخ می‌نمایند و هرچه ساختار و فرهنگ دو زبان از هم دورتر باشد، این مشکلات نیز بیشتر خواهند بود. مترجم در برگردان تمام متون، به‌ویژه متون ادبی و دینی - مذهبی به ترجمه‌ناپذیرها برمی‌خورد. ترجمه‌ناپذیرها انواعی دارند که یکی از آن‌ها، ترجمه‌ناپذیرهای زبانی است و یکی از انواع ترجمه‌ناپذیرهای زبانی، تغییرناپذیرها هستند.

در این مقاله، ابتدا به تعریف و طبقه‌بندی تغییرناپذیرها خواهیم پرداخت و آنگاه تعدادی از تغییرناپذیرهای قرآن را در ترجمه روسی کولی‌یف بررسی خواهیم کرد و به

این سؤال پاسخ خواهیم داد که مترجم با چه روشی به برگردان تغییرناپذیرهای طبیعت پرداخته است. به نظر می آید که به دلیل نداشتن آشنایی کامل مترجم با زبان عربی در برگردان آن‌ها اشکالاتی وجود داشته باشد و کولی یف نیز مانند هر مترجم دیگری در برگردان تغییرناپذیرها عمدتاً از انتقال صوری (Транскрипция, transcription) و عام‌سازی (Родо-видовая замена) سود جسته باشد.

### ۱. پیشینه پژوهش

در زبان روسی، پژوهش‌هایی در زمینه شناسایی و طبقه‌بندی تغییرناپذیرها انجام شده است که از جمله آن‌ها پژوهش‌های «سابالووا» می‌باشد. وی نخستین کسی بود که در اوایل دهه پنجاه در تحقیقات خود از «تغییرناپذیرها» سخن به میان آورد (Влахов & Флорин, 1980: 16). دومین کسی که با نام دیگری از این مفهوم در نوشته‌های خود استفاده کرد، «چرنوف» بود (Чернов, 1958: 223). او برای این مفهوم، اصطلاح «واژگان بدون معادل» را برگزید و با ارجاع به رساله شاتکوف و آثار فنودوروف، کلر، رتسکر و الکسی یف از این عنوان استفاده کرد. می‌توان گفت نخستین کسی که در یکی از مقاله‌های خود تغییرناپذیرها را از نظر زبان‌شناسی مطالعه کرد، «سوپرون» بود (Шатков, 1952: 34). اما نخستین کسی که تغییرناپذیرها را در ترجمه و برگردان از زبانی به زبان دیگر بررسی کرد، «روسلس» بود (Влахов & Флорин, 1980: 16).

در زبان فارسی، این مقوله چندان مورد توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران قرار نگرفته است، اما مختاری اردکانی در کتاب *هفده گفتار در اصول، روش و نقد ترجمه*، مقاله‌ای را در این زمینه ترجمه کرده است (ر.ک؛ مختاری اردکانی، ۱۳۷۶: ۴۵). افرادی مانند وینوگرادوف، ولاخوف و فلورین به طبقه‌بندی تغییرناپذیرها همت گماشته‌اند که در این مقاله، طبقه‌بندی وینوگرادوف ملاک کار ما قرار گرفته است.

## ۲. ضرورت پژوهش

قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین کتاب آسمانی مسلمانان شناخته می‌شود. در این کتاب مقدس، اسامی، کلمات و عباراتی به کار رفته‌است که جزء تغییرناپذیرها به شمار می‌آیند. ضرورت ترجمه صحیح این کتاب آسمانی برای انتقال صحیح و به تبع آن، تفسیر و برداشت‌های صحیح از آن، امری مسلم به شمار می‌آید. در این مقاله نیز سعی شده‌است تغییرناپذیرها تعریف شوند و طبقه‌بندی آن‌ها به همراه روش‌های مواجهه صحیح با آن‌ها ارائه شود تا راه بر خطاهای احتمالی این کتاب آسمانی در ترجمه بسته شود.

## ۳. بحث و بررسی

اولین آشنایی مردم روسیه با دین اسلام به قرن نهم میلادی بازمی‌گردد که این امر به واسطه ترجمه‌های مسیحیان صورت پذیرفت. با گسترش روابط دیپلماتیک و تجاری روس‌ها با کشورهای مسلمان‌نشین، شناخت روس‌ها از این دین آسمانی، آداب و سنن، اعتقادات و باورهای مسلمانان به تدریج بیشتر و بیشتر شد. بدین ترتیب، از آن زمان به بعد گردآوری، بررسی، ترجمه و تجزیه و تحلیل متون مذهبی مسلمانان، به‌ویژه ترجمه قرآن سرعت خارق‌العاده‌ای به خود گرفت و این امر در قرون پانزدهم تا هفدهم میلادی به شکل علمی و نظام‌مند انجام می‌شد.

نیاز به آشنایی بیشتر با اسلام و مهم‌ترین مرجع دینی مسلمانان، یعنی قرآن، در زمان پتر کبیر احساس شد و این کتاب آسمانی به دستور او و به دست «پاستینکوف» ترجمه شد. قرآن ترجمه شده به فرمان پادشاه در سال ۱۷۱۶ میلادی، نه با عنوان قرآن، بلکه با نام دیگری یعنی «قرآن درباره محمد یا قانون ترک‌ها» به چاپ رسید (Алкоран о Магомете, или Закон турецкий). شایان ذکر است که این ترجمه بر اساس ترجمه فرانسوی قرآن که به دست «آندره دیوریه» انجام شده بود و به سال ۱۶۴۷ در پاریس به چاپ رسیده بود، صورت پذیرفت (Грязневич & Прозоров, 1984: 77).

بنا به گفته افیم آناتولیوچ رضوان، اسلام‌شناس روس، چاپ قرآن در روسیه در زمان امپراطوری کاترین کبیر بیش از هر دوره دیگری انجام می‌شد و امپراطور به مدد این کار، خود را حامی اسلام و مسلمانان نشان می‌داد (Резван, 2001: 402).

مسلمانان تا تاریخ پانزدهم دسامبر سال ۱۸۰۰ میلادی برای چاپ و انتشار کتب دینی خود در امپراطوری روسیه با محدودیت‌هایی مواجه بودند که پس از لغو این محدودیت‌ها، به سرعت کار چاپ کتب دینی، به ویژه قرآن از سر گرفته شد؛ برای مثال در سال‌های ۱۸۰۲ تا ۱۸۰۶ میلادی، در چاپخانه‌ای که در شهر قازان تأسیس شده بود، بیش از ۳۵۰۰ نسخه متن کامل قرآن به زبان عربی به چاپ رسید. در آن زمان، حکومت نیازی به برخورد و متوقف کردن این کار نمی‌دید. دلیل این امر آن بود که قرآنی که به زبان عربی و نه به زبان مردم روسیه منتشر می‌شد، خطری برای حاکمان آن دوره به شمار نمی‌آمد و چاپ چنین قرآنی در واقع، یک تجارت بود و نه تبلیغ دین اسلام در روسیه (Саблуков, 1884: 46).

از سویی، نظریه ترجمه‌ناپذیری قرآن که از سوی سردمداران حکومت به مردم تحمیل می‌شد و از سوی دیگر، تأثیر بسزای این کتاب آسمانی بر زندگی مسلمانان منجر به این امر شد که قرآن برای کسانی که به ترویج دین مقدس اسلام می‌پرداختند، مبدل به ابزاری سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادی شود و این افراد گاهی با سوء استفاده از تسلط نداشتن مسلمانان به زبان عربی، این کتاب آسمانی را به گونه‌ای که به نفع خود و رسیدن به اهداف شوم خود بود، تفسیر می‌کردند.

هر گونه تلاش برای ترجمه قرآن به زبان‌های رایج در روسیه به بهانه اینکه هیچ کس حق دست بردن در محتوای کتاب مقدس را ندارد، با مخالفت روحانیون به ظاهر مسلمان مواجه می‌شد؛ چرا که آن‌ها به مدد تفسیرهای نادرست خود از این کتاب آسمانی، سود مالی کلانی به دست می‌آوردند و ترجمه صحیح این کتاب دینی به نفع آنان نبود. نتیجه این امر آن شد که تاکنون تنها پنج ترجمه قرآن به زبان روسی وجود دارد. در ترکیه نیز ترجمه قرآن با برخورد شدید همراه بود و قرآن منبع دستیابی به سود مالی و دستاویزی

برای تأثیر روانی و سیاسی بر مسلمانان ترک زبان به شمار می‌رفت؛ برای نمونه می‌توان از حاج زین العابدین تقی یف نام برد که مجبور شد برای ترجمه و چاپ قرآن در بغداد، حکم رسمی اخذ کند (Ibid: 47).

امروزه با پیشرفت بسیار سریع در تمام زمینه‌های علمی، فنی، تکنولوژی، پزشکی و غیره نیاز به ترجمه به یکی از نیازهای اساسی بشر بدل شده‌است. اشتولتسه معتقد است: «تا زمانی که انسان‌ها به زبان‌های گوناگون تکلم می‌کنند، ترجمه نیز به منزله تلاشی برای رفع موانع زبانی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود» (حقانی، ۱۳۸۶: ۱۹).

در ترجمه از زبانی به زبان دیگر و در هر متن، اعم از علمی و فنی، ادبی، دینی و مذهبی، سیاسی، اجتماعی و غیره مترجم با دو زبان، یعنی زبان مبدأ و مقصد سروکار دارد. هرچه این دو زبان از نظر ساختار به یکدیگر نزدیکتر باشند و گویشوران این دو زبان از نظر فرهنگی بیشتر به یکدیگر شبیه باشند، ترجمه روان‌تر و با موانع کمتری صورت می‌پذیرد و برعکس.

صاحب‌نظران در میان انواع ترجمه، ترجمه ادبی را به عنوان مشکل‌ترین و پیچیده‌ترین نوع ترجمه برشمرده‌اند؛ چراکه در ترجمه ادبی علاوه بر محتوای متن با عواملی چون عاطفه، خیال و صنایع بدیعی و لفظی گوناگونی روبه‌رو می‌شویم، حال اگر در ترجمه با زبان عربی و مهم‌تر از آن با قرآن که در فصاحت و بلاغت و نیز آهنگین و موزون بودن سرآمد تمام متون عربی است، سروکار داشته باشیم، عمل ترجمه بسیار مشکل‌تر خواهد بود.

برخورد با ترجمه‌ناپذیرها یکی از مشکلاتی است که هر مترجم در طول فعالیت حرفه‌ای خود ناگزیر با آن دست و پنجه نرم می‌کند. همان گونه که در مقدمه گفته شد، ترجمه‌ناپذیری بر دو نوع است: ترجمه‌ناپذیری کلان (اصطلاح دکتر محمد علی مختاری اردکانی در کتاب *هفده گفتار در اصول، روش و نقد ترجمه*) که طرفداران نظریه نسبیّت زبانی (Linguistic Relativism) همانند سائیر، وورف و هومبولت به آن معتقد بودند و

ترجمه‌ناپذیری خُرد (اصطلاح مختاری اردکانی در کتاب *هفده گفتار در اصول، روش و نقد ترجمه*) که مخالفان نظریهٔ نسبیّت زبانی به آن باور دارند.

در نظریهٔ ترجمه‌پذیری یا ترجمه‌ناپذیری خُرد، این نکته ضروری است که زبان‌ها در عین ترجمه‌پذیری ممکن است ابزار لازم برای بیان مسائل یکدیگر را داشته باشند؛ چراکه در بسیاری از موارد به کلمات یا به مفاهیمی برمی‌خوریم که در زبان دیگر وجود ندارند که این‌ها همان ترجمه‌ناپذیرها هستند. ترجمه‌ناپذیرها ممکن است صرفاً زبانی و یا فرهنگی باشند. اهل فن، ترجمه‌ناپذیرهای زبانی را در چند دسته جای می‌دهند که «تغییرناپذیرها» یکی از آن‌ها به شمار می‌آید (Влахов & Флорин, 1980: 16).

همانگونه که ذکر آن در پیشینه آمد، در زبان روسی، پژوهش‌هایی در زمینهٔ شناسایی و طبقه‌بندی تغییرناپذیرها انجام شده است که از آن جمله‌اند پژوهش‌های سابالووا و چرنوف. می‌توان گفت نخستین فردی که در یکی از مقاله‌های خود تغییرناپذیرها را از نظر زبان‌شناسی مطالعه کرد، سوپرون و نخستین فردی که تغییرناپذیرها را در ترجمه و برگردان از زبانی به زبان دیگر مورد مطالعه قرار داد، روسلس بود.

در زبان فارسی این مقوله چندان مورد توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران قرار نگرفته است، اما مختاری اردکانی در کتاب *هفده گفتار در اصول، روش و نقد ترجمه*، مقاله‌ای را در این زمینه ترجمه کرده‌اند. افرادی مانند وینوگرادوف، ولاخوف و فلورین به طبقه‌بندی تغییرناپذیرها همت گمارده‌اند که در این مقاله طبقه‌بندی وینوگرادوف ملاک کار ما قرار گرفته است. این طبقه‌بندی بدین شرح است (ر.ک؛ وینوگرادوف، ۱۱۲-۱۰۴):

تغییرناپذیرهای مربوط به زندگی روزمره که خود به چند دسته قابل تقسیم هستند:

الف) نام مکان‌ها. ب) البسه. ج) خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها. د) نوع کار و فعالیت. هـ) واحد پول و واحد اندازه‌گیری. و) آلات موسیقی، رقص و ترانه‌های ملی. ح) خطاب.

۲) تغییرناپذیرهای نژادی و اسطوره‌ای:

الف) نژادهای مختلف و مردم متعلق به آن و اعضای آن‌ها. ب) خدایان، موجودات و مکان‌های افسانه‌ای.

۳) تغییرناپذیرهای طبیعت:

الف) جانوران. ب) گیاهان. ج) مناطق جغرافیایی و شهرها.

۴) تغییرناپذیرهای نهادهای حکومتی، اداری و زندگی اجتماعی:

الف) واحدهای اداری و مؤسسات دولتی. ب) تشکیلات اجتماعی یا احزاب و اعضای آن‌ها. ج) تشکیلات صنعتی و تجاری. د) بخش‌های نظامی و انتظامی و کارکنان آن‌ها. هـ) سِمَت‌ها، مشاغل و القاب.

۵) تغییرناپذیری‌های اسمی: این نوع تغییرناپذیرها بیشتر در آثار ادبی به چشم می‌خورند و عبارتند از:

الف) اسامی خاص مربوط به انسان مانند نام و نام خانوادگی. ب) نام مکان‌ها. ج) اسامی قهرمانان داستان‌ها و آثار ادبی. د) نام کمپانی‌ها، موزه‌ها، تئاتر، قصرها، رستوران‌ها، مغازه‌ها و فرودگاه‌ها.

۶) تغییرناپذیرهای اجتماعی:

الف) نمادهای مربوط به گیاهان. ب) نمادهای مربوط به حیوانات. ج) نمادهای مربوط به رنگ‌ها. د) اشارات تاریخی، ادبی و فرهنگ عامیانه. هـ) اشارات زبانی: این‌ها به ضرب‌المثل‌ها، امثال و حکم اشاره دارند.

پس از ارائه طبقه‌بندی تغییرناپذیرها اینک به بررسی تغییرناپذیرها در قرآن می‌پردازیم. تغییرناپذیرها در این کتاب آسمانی در بیشتر موارد مربوط به جانوران و پرندگان، نام مکان‌های جغرافیایی، نام فرشتگان و... است.

می‌توان گفت: «اصطلاح ترجمه به مفهوم دقیق کلمه درباره تغییرناپذیرها اطلاق ندارد. چون قاعدتاً تغییرناپذیرها ترجمه‌ناپذیرند و از راه‌های دیگری جز ترجمه محض



وارد متن مقصد می شوند» (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶: ۳۵). از این رو، ما در این مقاله به جای واژه ترجمه از برگردان تغییرناپذیرها استفاده می کنیم.

اما در برگرداندن تغییرناپذیرها می توان از یکی از روش های زیر سود جست:

۱- انتقال صوری (транскрипция): در این روش، مترجم بدون توجه به معنای کلمه، آن را آوانگاری می کند که در این صورت، کلمه آوانگاری شده در زبان مقصد هیچ معنایی را به ذهن خواننده متبادر نمی کند و انتقال محض صورت گرفته است، علاوه بر اینکه رنگ و بوی بومی و محلی تغییرناپذیر مورد نظر نیز به طور کلی از بین می رود. به عقیده نگارنده، نباید بیش از حد از این روش استفاده کرد؛ چراکه کلمات بیگانه به زبان راه می یابند. بنابراین، مترجم تنها در صورتی مجاز به استفاده از این روش است که هیچ راه ترجمه ای نباشد. مثال: Москва که در ترجمه، «مسکو» نوشته می شود.

انتقال صوری به همراه توضیح در پاورقی نیز روشی است که معمولاً مترجمان از آن سود می جویند. استفاده از این روش برای متونی که تعداد تغییرناپذیرهای به کار رفته در آن ها اندک باشد، مناسب است، اما توجه به این نکته ضروری است که اگر تعداد این کلمات در متن مبدأ زیاد باشد، به ویژه اگر متن مورد ترجمه یک متن ادبی باشد، مترجم با این کار لذت خواندن را از خواننده می گیرد و هر قدر هم این کلمات درست برگردانده شده باشند، باز هم کار مترجم بی ارزش خواهد بود؛ چراکه یک ضلع مثلث نویسنده، مترجم، خواننده نادیده گرفته شده است؛ برای مثال، مترجم همان کلمه "Москва" را در متن مقصد به صورت "مسکو" نوشته، در پاورقی چنین می نویسد: "پایتخت و پرجمعیت ترین شهر و واحد فدرالی روسیه. این شهر با جمعیتی بیش از ۱۳ میلیون نفر، بزرگ ترین شهر در قاره اروپا و یازدهمین شهر پرجمعیت جهان است".

۳- انتقال به همراه عام سازی (транскрипция и родо-видовая замена) تغییرناپذیرهای بیانگر اسامی خاص در زبان مبدأ به کمک اسامی عام در زبان

مقصد. در این روش، مترجم بین تغییرناپذیری که در زبان مبدأ دلالت بر گونه یا نوع خاصی از درختان، گیاهان، حیوانات، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها دارد، با مفهوم عام درخت، حیوان، لباس، خوردنی و آشامیدنی در زبان مقصد رابطه ایجاد می‌نماید و مفاهیم خاص را تبدیل به مفاهیم عام می‌کند و آن‌ها را توضیح می‌دهد؛ برای مثال، مترجم در ترجمه از زبان عربی به فارسی کلمه "شتر" را به عنوان معادل برای کلمه عربی "حام" برمی‌گزیند که به گونه‌ای شتر اشاره دارد و برای عرب‌زبانان قابل درک است. در این روش نیز رنگ و بوی قومی و محلی مفهوم مورد نظر از بین می‌رود.

۴- شبیه‌سازی و جایگزینی (освоение и адаптация): در این روش، مترجم کلمه نزدیک در زبان مقصد را از روی شباهت‌های ظاهری و کارکردی، جایگزین کلمه تغییرناپذیر مبدأ می‌کند. در این روش نیز رنگ و بوی بومی و محلی از بین می‌رود، اما خواننده معنای کلی را درمی‌یابد. معمولاً برای برگردان نام غذاها می‌توان از این روش سود جست؛ مثلاً "борщ" را می‌توان به صورت "سوپ" ترجمه کرد.

۵- گرده برداری (калькирование): ترجمه قرضی عبارت است از ترجمه جزء به جزء کلمه تغییرناپذیر. و لاخوف و فلورین این روش را بهترین روش برگردان کلمات تغییرناپذیر می‌دانند؛ برای مثال، کلمه فرانسوی "Pomme de terre" در زبان فارسی به "سیب‌زمینی" برگردانده شده است؛ یعنی واژه‌های تشکیل‌دهنده آن را در زبان مبدأ (سیب و زمین) در زبان مقصد جایگزین کردند.

۶- ترجمه نیمه‌قرضی (полукалькирование): در این روش، نیمی از کلمه‌ای که به زبان مقصد برگردانده شده، متعلق به زبان مقصد و نیمه دیگر از زبان مبدأ است.

۷- ساختن نوواژه (неологизм): گاهی مترجم در برگردان واژگان تغییرناپذیر از این روش استفاده می‌کند و واژه جدیدی به فهرست واژگان زبانش می‌افزاید؛ مانند فینگیلیش (فارسی را با حروف انگلیسی نوشتن).

۸- استفاده از وام واژه (заимствование): این روش بیشتر در برگردان تغییرناپذیرهای بین‌المللی که برای همگان قابل درک هستند، استفاده می‌شود. این کلمات نیازی به توضیح بیشتری ندارند؛ مثلاً می‌توان به واژه‌های "کامپیوتر" یا "پرینتر" اشاره کرد.

۹- تفسیر و توضیح: در این روش، مترجم برای رساندن مفهوم به توضیح و تفسیر کلمه تغییرناپذیر می‌پردازد» (اسکندری و سعیدی، ۱۳۹۴: ۶۷).

مترجم با انتخاب هر یک از روش‌های فوق، درصدی از محتوای متن مبدأ را می‌کاهد و یا درصدی به این محتوا می‌افزاید، ولی به هر حال، انتخاب بهترین روش ترجمه بر عهده و به تشخیص مترجم است. شایسته ذکر اینکه ما در این مقاله از ترجمه المیر رافائل اوقلی کولی‌یف استفاده کرده‌ایم.

اکنون به بررسی تغییرناپذیرها در قرآن می‌پردازیم. دانستن این نکته ضروری است که بیشتر تغییرناپذیرها در قرآن مربوط به نام مکان‌هاست که تعدادی از آیات مربوط به این حوزه و شیوه برگردان آن‌ها را در زیر بررسی خواهیم کرد. سپس به تغییرناپذیرهای طبیعت (جانوران و پرندگان) خواهیم پرداخت. شایسته ذکر است که در تمام موارد کلمه مورد نظر در ترجمه روسی به صورت مورّب و پررنگ نمایش داده شده‌است:

#### ○ مکه

نام مکه تنها یک بار به کار رفته‌است؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا﴾ (الفتح/۲۴).

□ Он — Тот, Кто убрал их руки от вас и ваши руки от них в долине **Мекки** после того, как Он позволил вам одержать над ними верх. Аллах видит то, что вы совершаете.

## ○ مدینه

نام مدینه گاهی به معنای عام «شهر» و گاهی در معنای «شهر مدینه» در قرآن به کار رفته است. در معنای دوم که مراد ماست، می توان به آیه زیر اشاره کرد:

﴿ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يُرْعَبُوا بِأَنفُسِهِمْ... ﴾ (التوبه / ۱۲۰).

- Не следовало жителям *Медины* и бедуинам из окрестностей оставаться позади Посланника Аллаха и отдавать предпочтение собственным жизням перед его жизнью...

## ○ مسجد الحرام

این نام در قرآن در ۱۵ آیه به کار رفته است که برای نمونه می توان به آیه ۱۴۴ سوره بقره اشاره کرد که می فرماید: ﴿ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴾ (البقره / ۱۴۴).

- Мы видели, как ты обращал свое лицо к небу, и Мы обратим тебя к *кибле*, которой ты останешься доволен. Обрати же свое лицо в сторону Заповедной мечети. Где бы вы ни были, обращайтесь ваши лица в ее сторону. Воистину, те, которым даровано Писание, знают, что такова истина от их Господа. Аллах не пребывает в неведении относительно того, что они совершают.

## ○ بدر

نام مکانی است نزدیک مدینه که جنگ بدر در این مکان به وقوع پیوست. این نام در سوره آل عمران آمده است که می فرماید: ﴿ وَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴾ (آل عمران / ۱۲۳). در ترجمه روسی آیه می خوانیم:

- Аллах уже оказал вам поддержку при *Бадре*, когда вы были слабы. Бойтесь же Аллаха, — быть может, вы будете благодарны.

این موارد نمونه‌هایی از به کارگیری نام امکنه در قرآن کریم به شمار می‌آید. جز این موارد، نام مکان‌های دیگری نیز در قرآن وجود دارد که از آن جمله‌اند: رقیم، بابل، مشعر الحرام، کهف، احقاف، حجر، جودی، مصر، ایکه و طور. به این علت که سبک ترجمه این نام‌ها به زبان روسی همان روشی است که در آیات بالا به کار گرفته شده‌است، از ذکر تمام نمونه‌ها اجتناب می‌کنیم. اما جز نام امکنه در قرآن کریم، به نام فرشتگانی برمی‌خوریم که تغییرناپذیر به شمار می‌آیند. در این کتاب آسمانی، نام فرشتگانی همچون جبرئیل، میکائیل، عزرائیل و اسرافیل آمده‌است. به دلیل اینکه نام این چهار فرشته در دیگر کتب آسمانی نیز ذکر شده‌است، نمی‌توان آن‌ها را ترجمه و تغییرناپذیر دانست. اما در قرآن، به نام دیگر فرشتگان همچون هاروت، ماروت، مالک و روح نیز اشاره شده‌است که این نام‌ها در کتب آسمانی دیگر به چشم نمی‌خورند و بالطبع جزء ترجمه‌ناپذیرها به شمار می‌آیند:

#### ○ مالک

نام یکی از فرشتگان دربان دوزخ است که در قرآن کریم به آن اشاره شده‌است. نام این فرشته در سوره زخرف آمده‌است: ﴿وَنَادُوا يَا مَلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُتُبُونَ﴾ (الزخرف / ۷۷). در ترجمه روسی آیه می‌خوانیم:

□ Они воззвуют: «О *Малик*! Пусть твой Господь покончит с нами». Он скажет: «Вы останетесь здесь навечно».

یکی دیگر از فرشتگانی که نام او در قرآن آمده، «روح» است. برخی بر این باورند که این فرشته همان جبرئیل است، اما در تفسیر قمی درباره این فرشته چنین می‌خوانیم: «روح، فرشته‌ای است برتر از جبرئیل و میکائیل و او با رسول‌الله همراه بود و با امامان نیز همراه است: الروحُ ملكٌ أعظمٌ من جبرئيلَ و ميكائيلَ و كانَ معَ رسولِ اللهِ و هوَ معَ الأئمةِ عليهمُ السلامُ» (قمی، ۱۳۶۳: ۴۰۲). در آیه ۴ سوره قدر نیز آمده‌است: ﴿تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مَن كُلِّ أَمْرٍ﴾ (القدر/۴). در ترجمه آیه می‌خوانیم:

□ В ночь величия ангелы и *Джибрил* нисходят на землю с дозволения их Господа с Его повелениями.

همچنین، در آیه ۳۸ سوره نبا می فرماید: ﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا﴾ (النبا / ۳۸).

□ В тот день, когда *Дух (Джибрил)* и ангелы станут рядами, не будет говорить никто, кроме тех, кому позволит Милостивый, и говорить они будут правду.

### ○ هاروت و ماروت

این دو واژه در آیه ۱۰۲ سوره بقره آمده است: ﴿وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ الْمَلَكِينَ بِيَابِلِ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يُتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَّا يَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَ لَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ (البقره / ۱۰۲). در ترجمه روسی می خوانیم:

□ Они последовали за тем, что читали дьяволы в царстве Сулеймана (Соломона). Сулейман (Соломон) не был неверующим. Неверующими были дьяволы, и они обучали людей колдовству, а также тому, что было ниспослано двум ангелам в Вавилоне - *Харуту* и *Маруту*. Но они никого не обучали, не сказав: "Воистину, мы являемся искушением, не становись же неверующим". Они обучались у них тому, как различать мужа с женой, но никому не могли причинить вред без соизволения Аллаха. Они обучались тому, что приносило им вред и не приносило им пользы. Они знали, что тому, кто приобрел это, нет доли в Последней жизни. Скверно то, что они купили за свои души! Если бы они только знали!

از میان تغییرناپذیرهایی که در قرآن به اسامی حیوانات اشاره دارند، می توان به اسامی مختلف شتر از جمله «ابل، ناقه، جمل، هیم، عشار، بحیره، سائبه، حام و بعیر» اشاره کرد. «ناقه» در معنای «شتر ماده» می باشد. این کلمه هفت بار در قرآن کریم به کار رفته که از جمله در آیه ۶۴ سوره هود ذکر شده است: ﴿وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَدِرُّوهَا تَأْكُلُ

فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ ﴿٦٤﴾ (هود / ۶۴). در ترجمه روسی آیه نیز می خوانیم:

□ О мой народ! Вот эта **верблюдица** Аллаха — знамение для вас. Пусть она пасется на земле Аллаха, и вы не причиняйте ей зла, а не то вас постигнут близкие мучения.»

«جمل» به معنای «شتر نر» است، گرچه جوهری در صحاح اللغه این کلمه را در معنای مطلق شتر آورده است (ر.ک؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۱۶۶۱). خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ﴾ (الأعراف / ۴۰). در ترجمه روسی این آیه چنین می خوانیم:

□ Воистину, не откроются врата небесные для тех, кто считал ложью Наши знамения и превозносился над ними. Они не войдут в Рай, пока **верблюд** не пройдет сквозь игольное ушко. Так Мы воздаем грешникам.

در قاموس قرآن، کلمه «ابل» به معنای «مطلق شتر» است، اعم از نر و ماده و از هر جنس که باشد و لفظ آن مفرد است و دلالت بر جنس دارد (ر.ک؛ قرشی، ج ۱: ۱۹). خداوند در قرآن کریم می فرماید: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ (الغاشیه / ۱۷). در ترجمه این آیه می خوانیم:

□ Неужели они не видят, как созданы **верблюды**

«بعیر» در لغت به معنای «مطلق شتر» است، اعم از نر و ماده یا بزرگ و کوچک. خداوند متعال می فرماید: ﴿قَالُوا نَفَقْدُ صُوعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ﴾ (یوسف / ۷۲). در ترجمه آیه می خوانیم:

□ Они сказали: «Мы потеряли чашу царя. Кто принесет ее, получит **верблюжий** вьюк. Я отвечаю за это».

درباره معنای واژه «هیم» چنین آمده است: «هیم (ع ص، ا ج. اهیم (اقرب الموارد)، شتران تشنه» (صفی پوری شیرازی، ۱۳۹۳، ج ۲: ذیل واژه). قرآن کریم می فرماید: ﴿فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ﴾ (الواقعه / ۵۶). در ترجمه آیه می خوانیم:

□ как пьют больные *верблюды*, которые не могут спастись от жажды.

در فرهنگ واژگان قرآن ذیل کلمه «عشار» آمده است:

«شتران حامله ای که ده ماه از حمل آنان می گذرد؛ کنایه از اموال نفیس و گرانبها (جمع عشاء است و عشاء به معنای ماده شتر حامله ای است که ده ماه از حمل آن گذشته باشد و همچنان عشاء می نامند تا وقتی که بچه اش را بزاید و چه بسا که بعد از زاییدن هم آن را عشاء بخوانند، چون چنین شتری از نفیس ترین اموال عرب به شمار می رود و معنای تعطیل شدن عشاء این است که در آن روز عرب چنین مال نفیسی را رها می کند و هیچ چوپان و دشتبانی که آن را حفظ کند، بر آن نمی گمارد و گویا در این جمله اشاره ای بطور کنایه به این معنا باشد که همین اموال نفیسی که مردم در دنیا بر سر آن پنجه به روی هم می کشند، آن روز بی صاحب می ماند، کسی نیست که از آن ها استفاده کند، برای اینکه مردم آن روز آن قدر به خود مشغول هستند که از هیچ چیز دیگری یاد نمی کنند، همچنان که در جای دیگر فرمود: ﴿لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ﴾ (قمی، ۱۳۸۵: ۳۴۲).

قرآن کریم می فرماید: ﴿وَإِذَا الْعِشَاءُ عُطِّلَتْ﴾ (التکویر / ۴). در ترجمه این آیه می خوانیم:

□ когда *верблюдицы* на десятом месяце беременности останутся без присмотра,

در آیه ۱۰۳ سوره مائده به نام سه شتر اشاره شده که عبارتند از «بحیره»، «سائبه» و «حام». در تفسیر المیزان آمد است:

«اما "بحیره" ماده شتری است که پنج شکم زاییده باشد و شکم پنجم آن نر باشد و گوش های این بچه شتر را پاره کرده، شکاف فراخی به آن می دادند و بر



پشت آن سوار نمی‌شدند و آن را نمی‌کشتند و از باب احترام از هیچ آب و علفی او را منع نمی‌کردند... "سائبه" شترانی بوده که خود به دست خود به سبب نذر آن را مانند بحیره از کار معاف می‌کردند و یا در راه خوشنودی و جلب رضایت بُت‌ها و به منظور تقرب به آن‌ها آزاد می‌شدند و همه منافع آن‌ها را به مصرف فقرا می‌رساندند» (طباطبائی، ۱۳۶۰، ج ۶: ۳۵۳). و اما "حام" اگر ماده شتری از صلب و نطفه شتر نری ده شکم بچه می‌آورد، آن شتر را مبارک می‌شمردند و پشتش را محترم دانسته، بر آن بار نمی‌گذاشتند و سوارش نمی‌شدند و از هیچ آب و علفی او را منع نمی‌کردند و بعضی آن را شتر نری می‌دانند که تا دوران بلوغ فرزندزاده خود زنده مانده، او را آبستن سازد» (طباطبائی، ۱۳۶۰، ج ۶: ۳۵۳).

در این آیه می‌فرماید: ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَثُرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (المائدة/ ۱۰۳). در ترجمه آیه می‌خوانیم:

□ Аллах не распоряжался относительно *бахирь*, *саибь*, *васыли* и *хамь*. Но неверующие возводят навет на Аллаха, и большая часть их не разумеет.

در همین آیه، یعنی آیه ۱۰۳ سوره مائده به «وصیله» نیز اشاره شده است:

«وصیله گوسفندی است که اگر بره ماده می‌زاید، آن را نگه می‌داشتند و اگر نر می‌زاید، آن را وقف بت‌های خود می‌کردند و اگر دوقلو می‌زاید که یکی نر و یکی ماده بود، هر دو را برای خود نگه می‌داشتند و می‌گفتند: بره ماده به برادرش متصل است و بعضی دیگر می‌گویند که وصیله درباره بُزی است که هفت شکم می‌زاید و اگر شکم هفتم او نر بود، آن را در راه خدایان خود می‌کشتند و گوشتش را تنها برای مردان حلال می‌دانستند و اگر ماده بود، آن را داخل گوسفندان نموده، ذبح نمی‌کردند و اگر دوقلو می‌زاید، هیچ کدام را ذبح نمی‌نمودند» (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۶: ۳۵۳).

این کلمه نیز که در ترجمه روسی به صورت درشت و برجسته نمایش داده شده است، تغییرناپذیر به شمار می آید.

از میان پرندگان که نام آنها در قرآن آمده است و جزء تغییرناپذیرها به شمار می آیند، می توان به پرندۀ ای به نام «سلوی» اشاره کرد. به عقیده برخی از مفسران، «سلوی در لغت و در اصل به معنای تسلی و آرامش است»، اما در تفسیر نور (ر.ک؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۳۸۲) و تفسیر نمونه (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۶۵)، این کلمه به نوعی پرندۀ برگردانده شده است. نام این پرندۀ در آیات ۵۷ سوره بقره، ۸۰ سوره طه و ۱۶۰ سوره اعراف آمده است. خداوند در آیه ۵۷ سوره بقره می فرماید: ﴿وَضَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ (البقره/۵۷). در ترجمه روسی این آیه می خوانیم:

□ Мы осенили вас облаками и ниспослали манну и *перепелов*: «Вкушайте блага, которыми Мы наделили вас». Они не были несправедливы по отношению к Нам — они поступали несправедливо лишь по отношению к себе.

همچنین، در آیه ۸۰ سوره طه می فرماید: ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ﴾. در ترجمه روسی آیه می خوانیم:

□ О сыны Исраила (Израиля)! Мы спасли вас от вашего врага и дали вам обещание на правом склоне горы. Мы также ниспослали вам манну и *перепелов*.

یا در آیه ۱۶۰ سوره اعراف می فرماید: ﴿وَقَطَّعْنَاهُمْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾. در ترجمه روسی این آیه می خوانیم:

□ Мы разделили их на двенадцать колен — родов. Когда же его народ попросил его напоить их, Мы внушили Мусе (Моисею): «Ударь своим посохом по камню». Из него забило двенадцать ключей, и

все люди узнали, где им надлежит пить. Мы осенили их облаками и ниспослали им манну и *перепелов*: «Вкушайте блага, которыми Мы наделили вас». Они не были несправедливы по отношению к Нам — они поступали несправедливо лишь по отношению к себе.

پرنده دیگری که نام آن تنها یک بار در قرآن کریم آمده، «ابابیل» است. نام این پرنده در سوره فیل به کار رفته است که می فرماید: ﴿وَأَرْسَلْ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ﴾ (الفیل/ ۳) که در ترجمه آن می خوانیم:

□ и не насрал на них *птиц* стаями?

در تفسیر نور (ر.ک؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۵۹۵) و تفسیر نمونه (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲۷: ۳۳۰) آمده است که «ابابیل» برخلاف آنچه در میان مردم مشهور شده، نام پرنده خاصی نیست و به معنی «گروه گروه» است؛ یعنی خداوند پرندگان را گروه گروه بر سر آنان فرستاده است. در تفسیر المیزان که ما در این آیه به آن استناد می کنیم، «ابابیل» نام نوعی پرنده ذکر شده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۶۰، ج ۲۰: ۶۲۴).

### نتیجه گیری

با توجه به معانی مذکور برای واژه های تغییرناپذیری که ذکر آن ها در بالا آمد و با در نظر گرفتن ترجمه روسی این واژه ها می توان به این نتایج کلی دست یافت:

- مترجم در برخی آیات از ترجمه صوری صرف برای برگردان تغییرناپذیرها استفاده و به آن بسنده کرده است و در پاورقی و یا جای دیگری از این ترجمه، معنا و یا توضیحی درباره این کلمات به چشم نمی خورد که موارد ۱، ۲، ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ از آن جمله است.

- همان گونه که در تقسیم بندی روش های برگردان تغییرناپذیرها گفته شد، انتقال صوری درصد بسیار بالایی از محتوای کلمه زبان مبدأ را از بین می برد؛ چراکه خواننده زبان مقصد با واقعیت هایی که در زبان مبدأ وجود دارد، بیگانه است و عملاً از ترجمه

چیزی نخواهد فهمید. برای رفع این نقص، مترجم می‌توانست دست کم از توضیح در پاورقی استفاده کند.

- مترجم در پاره‌ای از موارد برای برگردان اسامی خاص حیوانات و پرندگان از اسامی عام سود جسته است؛ به عبارت دیگر، هنگام برخورد با نام پرنده‌ای به نام «ابابیل» (ذیل مورد ۲۰، توضیحات مختصری درباره این کلمه و آرای مفسران آمده است)، از اسم عام یعنی «پرنده» استفاده کرده است و به توضیح اینکه کدام پرنده مقصود بوده، نپرداخته است. این روش به طور خاص درباره یک پرنده با نام «ابابیل» به کار گرفته شده که در مورد ۲۰ بررسی شده است و مشکل چندانی را به وجود نمی‌آورد. مشکل اصلی در این روش زمانی رخ می‌نماید که خواننده با یکی از نام‌های شتر که در زبان عربی فراوان به چشم می‌خورد، مواجه می‌شود. همان گونه که ذکر شد، تعدادی از نام‌های شتران که در قرآن از آن‌ها استفاده شده است، عبارتند از «ناقه»، «جمل»، «بحیره»، «سائبه»، «حام»، «ابل»، «هیم» و «عشار». مترجم در برگردان این کلمات از همان کلمه مشترک بین تمام انواع شتر، یعنی خود «شتر» استفاده کرده است. این نوع برگردان در موارد ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ (که همگی واژگانی هستند که به انواع شتر اشاره دارند)، به چشم می‌خورد.

در این مورد خاص (شتر) مشاهده می‌شود که مترجم به علت آشنایی با جنس دستوری مؤنث، مذکر و خنثی در زبان روسی، در برگردان کلمه «ناقه» و «عشار» که به شتر مؤنث اشاره دارند، از کلمه شتر مؤنث در زبان روسی استفاده کرده است که در مورد ۹ و ۱۴ به آن‌ها برمی‌خوریم.

- همان گونه که در متن مقاله اشاره شد، در تفسیر المیزان، ذیل واژگان «بحیره» و «حام» به مؤنث بودن این دو نوع شتر اشاره شده است، ولی به دلایلی که بر ما پوشیده است و ممکن است بی‌اطلاعی مترجم از این مسئله در آن دخیل باشد، این دو واژه به شکل شتر مذکر یا مؤنث به زبان روسی برگردانده نشده‌اند، حتی از اسم عام «شتر» هم برای آن‌ها استفاده نشده است، بلکه مترجم به انتقال صوری و آوانگاری این دو کلمه بسنده کرده است.

- نداشتن رویه یکسان در برخورد با تغییرناپذیرها غیر عادی و عجیب می‌نماید. مترجم در ترجمه مورد ۱۵، ۱۶، ۱۷ (درباره شتر) و ۱۸ (درباره گوسفند)، همانند مورد اول (نام مکان‌ها) به برگردان صوری صرف پرداخته‌است و به آن بدون توضیح در پاورقی و در اختیار گذاشتن اطلاعات زمینه‌ای اکتفا کرده‌است.

- از نظر نگارنده، اگر مترجم در برگردان اسامی انواع شتر از همان روش عام‌سازی به همراه در نظر گرفتن جنس شتر اکتفا می‌کرد، حاصل ترجمه او پذیرفتنی‌تر بود؛ چراکه گرچه در برگردان تغییرناپذیرها درصدی از محتوا از بین می‌رود و مترجم در هر حال باید بکوشد محتوای متن مبدأ را با کمترین تحریف و از بین رفتن به خواننده زبان مقصد منتقل کند که این امر در ترجمه متون دینی، به‌ویژه قرآن بسیار بیش از دیگر متون حایز اهمیت است، پس اگر برای جنس ماده شتر از کلمه روسی «شتر ماده» و برای جنس نر از کلمه روسی «شتر نر» استفاده می‌شد، درصد کمتری از محتوا از بین می‌رفت.

- مواردی در ترجمه به چشم می‌خورد که مترجم به هر دلیل متوجه معنای اصلی کلمه مورد نظر نشده‌است و کلمه‌ای دیگر را جایگزین کلمه اصلی کرده‌است که موارد ۳، ۶ و ۱۹ از جمله آن‌هاست. در مورد ۳، کلمه «مسجدالحرام» به «قبله» برگردانده شده‌است. درست است که مسجدالحرام قبله گاه مسلمانان است، اما برای خواننده روس‌زبانی که با این مفاهیم آشنایی ندارد، بهتر بود از ترجمه صوری با توضیح در پاورقی استفاده می‌شد.

- پیش از این اشاره شد که اگر تعداد پاورقی‌ها در متن مقصد زیاد باشد، به‌ویژه اگر متن مورد ترجمه یک متن ادبی باشد، مترجم با این کار لذت خواندن را از خواننده می‌گیرد، ولی با توجه به اینکه قرآن کتابی آسمانی و به زبان عربی است و سرشار از نام‌هایی است که برای تازه‌مسلمانان و یا حتی مسلمانانی که آشنایی چندانی با زبان عربی ندارند، تازگی و غرابت دارد و با توجه به اینکه فهم دقیق این کتاب دینی برای تمام مسلمانان، اعم از تازه‌مسلمان و کسانی که مدت‌هاست به دین اسلام گرویده‌اند، بسیار حائز اهمیت است، در بسیاری از موارد نیازمند است توضیحاتی در باب معنای کلمه‌ای در پاورقی آورده شود تا به‌کنه مطلب پی برده شود و استفاده از این ابزار - آوردن

توضیحات در پاورقی - لاقل در باب قرآن با توجه به حساسیت بیان و انتقال مفاهیم آسمانی آن ضروری است.

- در مورد ۶، فرشته «روح» به «جبرئیل» برگردانده شده است و برگرفته از عقیده برخی نسبت به یکی بودن این دو فرشته است. اما چنانچه ذکر آن در بالا آمد، در تفسیر قمی درباره این فرشته چنین می‌خوانیم: «روح، فرشته‌ای است برتر از جبرئیل، میکائیل و او با رسول الله همراه بود و با امامان نیز همراه است: الروح ملك أعظم من جبرئیل و میکائیل و کان مع رسول الله و هو مع الأئمة علیهم السلام» (قمی، ۱۳۶۳: ۴۰۲).

در مورد ۱۹، با نام پرنده‌ای به نام «سلوی» مواجه هستیم. مترجم این کلمه را به «перепел» برگردانده است، اما بین این دو پرنده تفاوت وجود دارد.

همان گونه که در مقدمه اشاره شد، انتظار می‌رفت مترجم به دلیل نداشتن آشنایی کامل با زبان عربی در انتقال آن‌ها بیشتر از دو روش عام‌سازی و انتقال صوری سودجسته باشد. در پایان، بار دیگر یادآور می‌شویم که اگر مترجم پیش از پرداختن به عمل خطیر ترجمه قرآن با انواع تغییرناپذیرها و روش‌های مواجهه با آن‌ها در ترجمه آشنا می‌شد، درصد این انحرافات از زبان مبدأ و اشتباه‌ها در ترجمه به میزان چشمگیری پایین می‌آمد که این امر مؤید لزوم آشنایی با تغییرناپذیرهاست.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

- اسکندری، مهنوش و علی سعیدی. (۱۳۹۴). «ترجمه‌ناپذیرهای فرهنگی: طبقه‌بندی و روش‌های ترجمه». *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی*. بوشهر: دانشگاه خلیج فارس. صص ۶۵-۷۵.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶). *صاحح اللغة*. ج ۴. بیروت - لبنان: دارالعلم.
- حدادی، محمود. (۱۳۸۴). *مبانی ترجمه*. تهران: رهنما.
- حقانی، نادر. (۱۳۸۶). *نظرها و نظریه‌های ترجمه*. تهران: امیرکبیر.

- صفوی، کورش. (۱۳۹۰). *هفت گفتار درباره ترجمه*. تهران: مرکز.
- صفی پوری شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۹۳). *منتهی الارب فی لغة العرب*. ج ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صلح جو، علی. (۱۳۸۶). «ترجمه ناپذیری فرهنگی». *مترجم*. ش ۴۶. صص ۳۹-۴۴.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. ج ۱۰. چ ۱۱. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). *تفسیر قمی*. ج ۲. قم: دارالکتاب.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۶۰). *المیزان*. ج ۶ و ۲۰. بیروت - لبنان: بی‌نا.
- مختاری اردکانی، محمدعلی. (۱۳۷۶). *هفده گفتار در اصول، روش و نقد ترجمه*. تهران: رهنما.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۰). *تفسیر نمونه*. ج ۱ و ۲۷. تهران: ایران‌سال.
- Коран. (2014). *Перевод смыслов и комментарии / Пер. с араб. и комментарии Э. Кулиев*. — М.: Умма.
- Виноградов, В. С. (2006), *Перевод: общие и лексические вопросы*. 3-е изд. Москва: КДУ.
- Влахов С. & Флорин С. (1980). *Непереводимое в переводе*. С. Влахов. Москва: Международные отношения.
- Грязневич, П. А. & Прозоров С. М. (1984). *Ислам. Религия, общество, государство*. Москва: Наука.
- Резван, Е.А. (2001). *Коран и его мир*. СПб.: Петербургское востоковедение.
- Саблуков, Гордий. (1884). *Сведения о Коране, законоположительной книге мхаммеданского вероучения*. Казань: Ун. Типография.
- Чернов, Г.В. (1958). “К вопросу о передаче безэквивалентной лексики при переводе советской публицистики на английский язык”. *Ученые записки*. 1-го МГПИИЯ. т. XVI, М.
- Шатков, Г.В. (1952). *Перевод русской безэквивалентной лексики на норвежский язык*. Канд. дисс., ВИИЯ, М.